



«عنكبوت» روی پرده سینما
روایت سینماگر مشهدی از «خفاش شب»
پروانه نمایش گرفت

گروه فرهنگ

مجزو اکران فیلم سینمایی «عنكبوت» ساخته ابراهیم ایرج‌زاد سینماگر مشهدی بعد از گذشت چند ماه صادر شد. فیلمی با بازی ساره بیات و محسن تنابنده که به ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای دهه ۷۰ در مشهد می‌پردازد. «عنكبوت»، قرار بود سال گذشته در سی‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم فجر رونمایی شود اما در نهایت به بخش مسابقه راه پیدا نکرد. ابراهیم ایرج‌زاد در گفت‌وگویی که پیش‌تر با شهرآرآ داشت علت این اتفاق را دلایل غیر سینمایی اعلام کرده بود. این صحبت ایرج‌زاد و طولانی شدن زمان صدور مجوز نمایش برای «عنكبوت» باعث شد تا در ماه‌های اخیر شایعاتی مبنی بر ممیزی شدن این اثر مطرح شود. حال جواد نوروزبیگی تهیه‌کننده «عنكبوت» درباره اینکه نسخه مجوز گرفته فیلم دچار ممیزی شده یا خیر به خبرگزاری صبا توضیح داده است: از ابتدای ساخت فیلم مشخص بود نظر ات مخالفی وجود دارد که در نهایت سعی کردیم نظرشان را جلب کنیم. جزئیات کمی از فیلم حذف شده است اما به نظر من چیز مهمی نیست و خودمان هم از نسخه جدیدراضی تر هستیم.

این تهیه‌کننده درباره زمان اکران فیلم نیز خاطرنشان کرده است: چون به تازگی پروانه نمایش صادر شده است هنوز درمورد اکران آن تصمیمی نگرفته‌ایم، باید با سرمایه‌گذار اثر هم مشورت کنیم و ولی با توجه به شرایط کرونایی به اجبار فیلم باید هم در سینماها و هم در فضای مجازی اکران شود. «عنكبوت» در نخستین حضور جهانی‌اش نیز از تاریخ ۳۰ مهر تا ۹ آبان در جشنواره فیلم پوسان به نمایش در خواهد آمد.

همچنین دیگر فیلمی که شورای پروانه نمایش در جلسه اخیر خود برای اکرانش مجوز صادر کرده، «خورشید» ساخته مجید مجیدی است. این فیلم از حضور بازیگران شناخته شده‌ای همچون طناز طباطبایی، جواد عزتی، علی نصیریان، روح... زمانی و شمیلا شیرزاد بهره گرفته است و داستانی با محوریت کودکان کار را روایت می‌کند. «خورشید» که سال گذشته جایزه بهترین فیلم و فیلم‌نامه را از جشنواره ملی فیلم فجر و حدود یک ماه پیش جایزه مارچلو ماسترویانی جشنواره ونیز (بهترین بازیگر نوظهور برای روح... زمانی) را به دست آورد، یکی از گزینیه‌های اصلی ایران برای حضور در اسکار ۲۰۲۱ محسوب می‌شود.

برگزاری جشنواره فیلم فجر با شرایط خاص

محمد مهدی طباطبایی‌نژاد که به تازگی به عنوان دبیر سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر معرفی شده است در گفت‌وگو با ایسنا از برگزاری این رویداد با شرایط ویژه خبر داد. او با اشاره به اینکه جشنواره ونیز الگوی برگزاری جشنواره فجر در دوران کرونا خواهد بود گفت: تا الان قرار ما بر این است که جشنواره فیلم فجر به شکل محدود و کاملاً با رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی و با ۵۰ درصد ظرفیت برگزار شود. طباطبایی‌نژاد در حالی این خبر را اعلام کرده که شرایط کرونا در کشور روزبه‌روز بحرانی‌تر می‌شود و بسیاری پیش‌بینی می‌کنند با آمدن فصل زمستان این وضعیت بحرانی به اوج خود برسد.

امیر آقایی، اولین بازیگر فیلم تازه کیمیایی

امیر آقایی که سال گذشته موفق به کسب سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد از جشنواره فیلم فجر برای بازی در «شنای پروانه» شده بود، در «خائن کشی» به کارگردانی مسعود کیمیایی جلوی دوربین می‌رود. این اولین همکاری آقایی و کیمیایی محسوب می‌شود. مسعود کیمیایی در سی‌امین ساخته خود، زندگی مهدی بلیغ، مشهورترین سارق و کلاهبردار ایرانی را به تصویر می‌کشد. بلیغ، معروف‌ترین خلافکار تهران بود که حتی در دهه ۳۰ خورشیدی کاخ دادگستری تهران را هم فروخت. این فیلم چند بازیگر دیگر هم دارد که در روزهای آینده معرفی می‌شوند تا نخستین نمایش «خائن کشی» در جشنواره فیلم فجر امسال رقم بخورد. تهیه‌کنندگی این اثر نیز بر عهده علی اوجی است.

اکران آنلاین «تابد» از ۱۴ مهر



محمد نجفی‌زاده تهیه‌کننده «تابد» زمان آغاز اکران آنلاین این فیلم سینمایی را دوشنبه ۱۴ مهر اعلام کرد. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، «تابد» به کارگردانی امیدامین نگارشی که از ۱۵ مرداد اکرانش را در سینماهای کشور آغاز کرده، براساس آمار منتشر شده در سایت سمفا با جذب ۶۴۰۳ مخاطب، توانسته به فروشی نزدیک به ۷۶ میلیون تومان دست پیدا کند. در این فیلم بازیگرانی چون، محسن کبیایی، میلاد کی‌مرام، مهرداد صدیقیان، بهرنگ علوی و ترلان پروانه بازی می‌کنند.

ساخت آثار تاریخی سندفرهنگی است

نادر فلاح بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر که این روزها مشغول بازی در سریال تاریخی «جشن سربرون» به کارگردانی مجتبی راعی و تهیه‌کنندگی حسن نجاریان است در گفت‌وگو با خبرگزاری صبا درباره این اثر توضیحاتی ارائه کرد. او درباره دلایل خود برای پیوستن به گروه بازیگران این سریال گفت: پیش‌تر در کارهای تاریخ معاصر هم بازی کرده‌ام و در آثار تاریخ پیش از انقلاب نیز بازی کرده بودم اما ماجرای «جشن سربرون» مربوط به زمان مشروطه است که من چنین نقشی در این مقطع زمانی بازی نکرده بودم.

«سرخو» یک ایلانی است؛ مرد بیابان، سیاه چادر و سوار بر اسب که برایم جذاب است. فیلم‌نامه بسیار خوبی نیز برای این اثر نوشته شده است که «سرخو» را شخصیتی منفی اما جذاب معرفی می‌کند. سرخو به شدت عمل‌گراست و در ماجراهای دراماتیک قصه نقش موثری دارد که برایم بسیار ارزنده است.

همیشگی جامعه است. ساخت کارهای تصویری (فیلم و سریال) درباره تاریخ مانند نوشتن کتاب در حوزه تاریخ است. همان‌طور که نوشتن تاریخ هیچ‌گاه به پایان نمی‌رسد، نباید تصویری سازی درباره تاریخ هم به پایان برسد. فیلم‌سازی در این حوزه یک سند فرهنگی است که ببینند را با گذشتگان، مسائل و مشکلات آن دوران روبه‌رو می‌کند. کارهای تاریخی بیشتر جنبه آگاهی‌بخشی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد و افراد در مقام مقایسه برمی‌آیند. برای من دیدن این آثار، محیط زندگی، لباس‌ها و نوع زندگی افراد در مقاطع مختلف همیشه جذاب بوده است.

سازش صدای ایران بود...

گفتارهایی از علیرضا قیامتی، استاد دانشگاه و علی پورعطایی، سرپرست گروه موسیقی «بیدل» به مناسبت سالروز درگذشت استاد غلامعلی پورعطایی



عکس: حامد نقیض

است. این‌ها را من از گفته‌های خودش در سال‌های طولانی که خدمتش می‌رفتم، می‌گویم؛ او در جوانی با قاطر و اسب به شهرهای بلخ و مرو و هرات و ولایت غور می‌رفته و زمانی که به فرد روشن ضمیری می‌رسیده بسیاری از فولکلورها، دوبیتی‌ها و چهاربیتی‌های خراسان را از آن شهرها جمع‌آوری و مکتوب می‌کرده و به خراسان می‌آورده است.

قیامتی با این توضیح که همه استاد پورعطایی را با دوتار و نوازندگی سرآمدش می‌شناسند، می‌گوید: از شاخصه‌های پژوهشگری این نوازنده خراسانی خیلی غفلت شده است؛ استاد پورعطایی، پیشینه‌ی نوای نوایی را از مرو استخراج کرده بود؛ همچنین درباره «اشتر خجو»، همان افسانه بی‌پناهی دختر و غربت بیابان که، بر زبان ساز جاری شده و بر قلب شنونده کوبیده می‌شود و قطعه‌ای که قرن‌هاست در نواحی خراسان بر دوتارها می‌نوازند، پژوهش کرده بود. تا پیش از استاد پورعطایی، کسی این‌ها را مکتوب نکرده بود؛ بلکه سینه به سینه روایت می‌شد. استاد این‌ها را در دفتر تحقیقات و پژوهش‌های خود مکتوب کرده و امیدوارم این پژوهش‌ها که اکنون برای بازبینی به من سپرده شده است، چاپ و ماندگار شود. هم پژوهش‌ها و اشعار و هم نظریاتی که مرحوم پورعطایی درباره پرده‌های موسیقی مطرح کرده، گنجینه خوبی برای هنر خراسان است.

بی‌زخمه به همدردی من پیا مُنْهید/ اندوه مرا دوتار می‌داند و بس... او پیش از اینکه دست سرنوشت، خط پایانی روی عمرش بکشد، سال‌های طولانی را صرف پژوهش در زمینه موسیقی کرد. نتیجه سفرها و معاشرت‌ش با مردان ایران‌زمین را مکتوب کرد و حالا آن‌ها را به عنوان تحقیق‌های شفاهی بی‌بدیل از خود به جای گذاشته است. به مناسبت درگذشت نوازنده خراسانی «نوایی»؛ گفت‌وگویی با علیرضا قیامتی، کسی که بازبینی اشعار و پژوهش‌های پورعطایی فقید را به عهده گرفته است و نیز علی پورعطایی، فرزند هفتم استاد داشتیم که در ادامه می‌آید.

● نوازنده سرنشاس، پژوهشگر ناشناس

علیرضا قیامتی، دکتری زبان و ادبیات فارسی و شاهنامه‌پژوه با اشاره به شخصیت چند وجهی غلامعلی پورعطایی می‌گوید:



این هنرمند خراسانی را نمی‌توانیم فقط با جنبه دوتار خلاصه کنیم بلکه؛ او دایره‌المعارف سیاری از فرهنگ موسیقایی جنوب و شرق خراسان و حتی خراسان کهن بود که فقط مربوط به خراسان کنونی هم نیست. به گفته این استاد دانشکده ادبیات مشهد مرحوم پورعطایی علاوه بر اینکه در دوتارنوازی، استاد سرآمدی بود، در زمینه پژوهش‌های موسیقی نیز ویژه بود: به جرئت می‌گویم کمتر کسی در ایران به اندازه او درباره موسیقی خراسان از منابع شفاهی پژوهش کرده

گرمی داشته است. قیامتی که مراوده و معاشرت زیادی با این پیش‌کسوت موسیقی نواحی خراسان داشته است در این باره می‌گوید: شاید کمتر کسی بداند نخستین استاد مرحوم پورعطایی، مادرش بوده و آنچه داشته از مادر به ارث برده است. مادر استاد، ساز و به ویژه «نوایی» و «ا... مدد» را به طور ویژه می‌نواخته و صدای خوشی داشته و این را کسانی که شنیده بودند بارها گفته‌اند.

این شاهنامه‌پژوه ادامه می‌دهد: مادر غلامعلی پورعطایی به شاهنامه فردوسی مسلط بوده، طوری که غلامعلی نیز عاشق شاهنامه بوده است. او در یک نشست موسیقایی در آرامگاه فردوسی شروع به نواختن خاص و بی‌بدیل کرد و نخستین کسی شد که دوتار جنوب خراسان را از عرصه عرفانی صرف درآورد و حماسه نواخت و شاهنامه خواند. تا قبل از او کسی این کار را نکرده بود همچنان که بعد از او. همیشه این بیت را تکرار می‌کرد: به دنیا بس همین یک افتخار/ که یک ایرانی والا بتارم

استاد پورعطایی همچنین در تربیت فرزندان‌ش هم ویژه بود، طوری که علیرضا قیامتی می‌گوید: برای من تعریف می‌کرد زمانی که هنوز پسر هفتمش، علی متولد نشده بود برایش دوتار می‌نوازد و به اعتقاد من، دلیل استعداد خاص علی‌آقا در نوازندگی، حتی در سخت‌ترین سازها مثل مثل زباب، همین است. همه فرزندان مرحوم پورعطایی اهل موسیقی و هنر هستند و استاد آنچنان که از مادرش این میراث

این بازیگر همچنین به آسیب‌پذیری اش در مجموعه «جشن سر برون» اشاره کرد و گفت: در این مجموعه ۲ بار از اسب به زمین افتادم که باعث شد دچار مشکل دیسک کمر شوم اما همچنان با علاقه به کار ادامه می‌دهم. امیدوارم مخاطب از نتیجه کار راضی باشد. فلاح درباره لزوم ساخت آثار در حوزه تاریخی نیز خاطرنشان کرد: آگاهی از تاریخ به دلیل عبرت‌آموز بودنش نیاز

را گرفته بود به فرزندان‌ش منتقل کرد. ● **بیدل‌شناس و مثنوی‌خوان** دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد درباره دیگر جنبه‌های وجودی دوتارنواز شهیر خراسان بیان می‌کند: او بیدل‌شناس معروف و در این زمینه سرآمد نیز بود. همچنین مثنوی‌خوان بود و با رگه‌هایی از سلسله عرفان آشنایی داشت. در عین حال، شاعر خوبی بود و شعر هم می‌گفت؛ جوهره او این‌طور بود که شعر می‌سرود، آهنگ می‌ساخت، می‌نواخت و خودش می‌خواند یعنی یادآورنده خنیاگران جاوید ایرانی است که در گوسان‌ها می‌بینیم.

به باور قیامتی استاد پورعطایی بازمانده‌ای از نسل گوسان‌ها بود؛ گوسان‌ها خودش‌شان شاعر بودند و در عین حال خودشان می‌نواختند و تنظیم می‌کردند و می‌خواندند.

● **اندوه مرا دوتار می‌داند و بس**

«کار و موسیقی برایش قداست خاصی داشت»؛ قیامتی با بیان این جمله، اشاره‌ای به خاطرات خودش از استاد دارد که؛ وقتی ساز به دست می‌گرفت، بی‌اختیار می‌شد: من بارها از نزدیک

شاهد بودم که به خلسه می‌رفت و آنچنان شور و نوا داشت که این حال استاد پورعطایی او را متفاوت می‌کرد. گاهی می‌گفت: «من با یک پرده دوتار به مراحلی از کشف و شهود می‌رسم که با گذراندن سال‌ها مراتب این چنینی نمی‌توانم به آن برسم.»

و در خاطره‌ای دیگر بیان می‌کند: یک بار استاد در تالار رودکی تهران اجرا داشت. در آنجا وقتی همه افراد حاضر در تالار پس از شنیدن «از من چرا

رنجیده ای...» به وجد آمده بودند استاد می‌گفت این خون من است که در حال جوشیدن است و بر زخمه‌های دوتار جاری می‌شود و از مولانا نقل می‌کرد: «خون چو می‌جوشد منش از شعر رنگی می‌دهم.»

قیامتی می‌گوید: او می‌خواست حرف دلش را فریاد بزند و همیشه این شعر را با خودش زمزمه می‌کرد: زرده روزگار می‌داند و بس/ بیدل شده دچار می‌داند و بس/ بی‌زخمه به همدردی من پا مُنْهید/ اندوه مرا دوتار می‌داند و بس؛ یعنی دو تار است که اندوه و درد جان عاشق دوتارنواز را می‌داند.

به گفته قیامتی که یکی از افراد نزدیک به استاد بوده است؛ مرحوم پورعطایی ارتباط زیادی با محافل علمی و هنری کشور به ویژه تهران داشته است. این استاد دانشگاه می‌گوید: شاید قدر او را در خراسان و زادگاه خودش آنچنان نمی‌دانستند، اما اهالی و بزرگان موسیقی کشور مانند استاد شجریان و زنده‌یاد مشکاتیان و لطفی جایگاه هنری او را می‌دانستند و بارها دیده بودم باهم ارتباط داشتند.

● **توسحر و فسون می‌زنی ای پورعطایی**

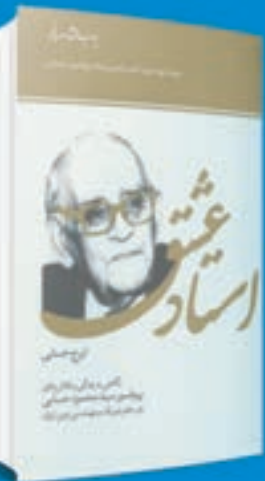
قیامتی، به حضور استاد موسیقی دیار تربت جام در جشنواره موسیقی فجر اشاره می‌کند و می‌گوید: در آنجا اکثر بزرگان موسیقی ایرانی بودند، مرحوم پورعطایی با اجرایش آنچنان شور و شوقی در حاضران ایجاد کرده بود که استاد قیصر امین‌پور فی البداهه شعری سرود و به او تقدیم کرد. اکنون یک مصرع از آن، روی سنگ قبر مرحوم حک شده است.

کمتر شناخته‌ایم، با مطالعه کتاب کوتاه «استاد عشق» که فرزندش ایرج حسایی، آن را تدوین کرده، با خاطرات بدون واسطه زندگی او آشنا خواهیم شد. «سرنوشت زندگی شما از عجیب، عجیبتر و از شنیدنی‌تر است». این جمله‌ای است که پسر به پدر در کتاب خاطرات او می‌نویسد.

زندگی سخت محمود در دوران کودکی با وجود نامهربانی‌های پدر، بیماری مادر و غربت، باعث شد به‌دنبال اهدافش نرود. در این کتاب می‌خوانیم که چهار سال اول کودکی‌اش را در تهران سپری می‌کند و بعد به همراه خانواده عازم شامات می‌شود. مهندس ساختمان می‌شود و در یک شرکت فرانسوی مشغول به کار. اما این

گروه‌فرهنگ می‌توانید تصور کنید فردی در اواخر سال ۱۲۸۱ خورشیدی (حدود ۱۱۸ سال پیش) در تهران متولد و در انبوهی از مشکلات موفق شده باشد قرآن و حافظ را حفظ کند و بر شاهنامه، بوستان، گلستان و مثنوی تسلط داشته و مهارت نواختن ویولن و پیانو، آشنایی با شعر و موسیقی سنتی ایران و کلاسیک غرب و مدرک نجات غریق را به دست آورده باشد؛ زبان‌های فرانسه، انگلیسی، عربی، ایتالیایی، سانسکریت، یونانی، پهلوی، اوستا، ترکی، روسی و آلمانی را بداند و در کنار همه این موفقیت‌ها، چند لیسانس بگیرد، پزشکی و مهندسی بخواند و در علم فیزیک نیز به بالاترین مدارج علمی جهان نائل شود.

اگر محمود حسایی، نابغه و پدر علم فیزیک ایران را



نگاهی به زندگی استاد
محمود حسایی در کتاب
«استاد عشق»

مورد عجیب آقای پروفیسور